



الهام سلیمی بادیار کردن آموزشگاه نقاشی در محله حسین آباد
 بانی شکوفایی استعداد نوجوانان شده است

۵۴

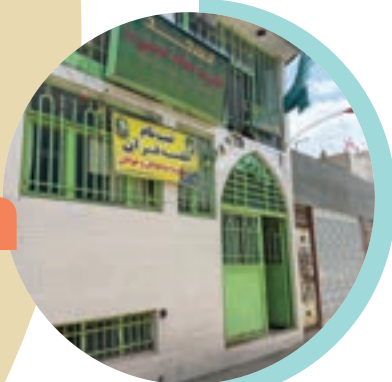
هنر آفت یک نقاشی



عکس: فیهیمه فرخی/شهرآرا

روایت مسجد قدیمی محله کنه بیست
 که با توسعه بنا در گذر زمان، به پاتوق اهالی تبدیل شد
پروبال گرفتن همدلی در محله

۶



۲

فرسودگی جداول و انباشت پساب، خیابان شهید نوروزی
 را به کانون بیماری تبدیل کرده است
محاصره در بوی تعفن و لجن

۷

نوجوان ۱۶ ساله شهرک شهید رجایی
 در دو رشته ورزشی کاراته و فوتسال مقام آور شده است
**عوض کردن زمین بازی
 نه رؤیاها!**



فرسودگی جداول و انباشت پساب، خیابان شهید نوروزی را به کانون بیماری تبدیل کرده است

محاصره در بوی تعفن و لجن

سید محمد عطائی هنوز چند قدم از ابتدای خیابان شهید نوروزی نگذشته‌ای که ردآب، توراناتهای کوچه‌ها همراهی می‌کند؛ آبی که نه از بارندگی آمده و نه از شست‌وشوی معابر. جوی‌های فرسوده و شکسته، سال‌هاست میزبان آب‌های راکد و بدبو شده‌اند؛ مسیرهایی که در بعضی نقاط دیگر حتی شباهتی به جوی و جدول ندارند و بیشتر به گودال‌هایی پراز لجن و زباله تبدیل شده‌اند. اهالی می‌گویند سال‌هاست این وضعیت ادامه دارد؛ مشکلی که هم‌چهره محله‌هاست و رانازیا کرده و هم نگرانی‌های بهداشتی و ایمنی را افزایش داده است.



هم قدم



● پساب‌هایی که لجن می‌شوند

نیش کوچه شهید نوروزی ۱۱، درست زیر تابلو راهنمای پایگاه سلامت صاحب‌الزمان (عج)، یکی از نمونه‌های واضح این وضعیت غیربهداشتی دیده می‌شود. بخشی از جدول کاملاً از بین رفته و جوی آب به گودالی تبدیل شده که آب مانده در آن، به لجن تبدیل شده است. بوی نامطبوع از چند متری به مشام می‌رسد و حشرات ریز اطراف آن پرسه می‌زنند.

اما این فقط یک نقطه نیست. تقریباً در همه فرعی‌های خیابان شهید نوروزی می‌توان یک یا چند بخش تخریب‌شده از جدول‌ها را پیدا کرد؛ جایی که آب در آن جمع می‌شود و راهی برای خروج ندارد. در مسیر اصلی خیابان نیز وضعیت چندان بهتر نیست. جوی‌ها در بسیاری از نقاط شکسته و فرسوده‌اند و آب در آن‌ها جریان آرام و مداوم دارد. آن‌هم در روزهایی که مدت‌ها از آخرین بارندگی گذشته است و باید این جوی‌ها خشک باشند.

مشاهدات میدانی نشان می‌دهد بخش‌هایی از این آب، ناشی از تخلیه پساب برخی منازل به داخل جوی‌هاست. همین موضوع باعث شده است آب در طول شبانه‌روز در جوی‌ها باقی بماند و در نقاطی که شیب مناسب وجود ندارد، راکد شود. در بعضی قسمت‌ها حتی اهالی دست به کار شده‌اند و با سیمان یا قطعات بتنی، بخش‌هایی از جدول، جوی یا پیاده‌رو را به شکل ابتدایی ترمیم کرده‌اند.

● سوسک‌های بزرگ، مهمان خانه‌ها

محبوبه امیری که سال‌هاست در این خیابان زندگی می‌کند، می‌گوید: سوسک‌هایی از این جوی‌ها وارد خانه‌هایمان می‌شوند که اندازه‌شان خیلی بزرگ است. ما اینجا را این‌بخش از محله‌ها مثل ساکنان یک جزیره بدون امکانات هستیم.

او معتقد است اگر جوی‌ها به درستی بازسازی و آب‌های راکد جمع‌آوری

شود، بخش زیادی از مشکلات بهداشتی محله نیز برطرف خواهد شد. چند کوچه آن طرف‌تر، معصومه اربقایی از تلاش همسرش برای تمیز نگه داشتن جوی مقابل منزل می‌گوید: کاری که به گفته او تقریباً هر روز تکرار می‌شود. او توضیح می‌دهد: همسرم روزی یک بار خودش می‌آید و جوی مقابل خانه را تمیز می‌کند تا آب داخل آن نماند. تقریباً هر روز به اندازه یک کیسه زباله کوچک، آشغال و لجن جمع می‌کند. به گفته او، پیاده‌روهای این محدوده نیز شرایط مناسبی ندارند. اختلاف سطح زیاد، شکستگی‌ها و فرسودگی کف پیاده‌رو باعث شده است عبور سالمندان و افراد کم‌توان با سختی همراه باشد. اربقایی می‌گوید بوی بد جوی‌ها در روزهای گرم تابستان به یکی از مشکلات همیشگی ساکنان تبدیل شده است.

● درخواستی که سال‌ها بی‌پاسخ مانده است

فاطمه گلستانی، عضو شورای اجتماعی محله‌ها، نیز از بی‌نتیجه ماندن درخواست‌های اهالی برای بازسازی جداول گلایه دارد. او می‌گوید نماینده بهداشت محیط از مردم خواسته است در صورت مشاهده تخلف، با سامانه ۱۹۰ تماس بگیرند و همسایه‌هایی را که پساب منازل خود را وارد جوی می‌کنند، معرفی کنند. اما انتظار چنین کاری از همسایه‌ها چندان منطقی نیست. گلستانی می‌گوید: بررسی این موضوع برای دستگاه‌های مسئول، کار سختی نیست. مسیر لوله‌های خروجی منازل تا جوی کاملاً مشخص است و بایک بار بازدید می‌توان موارد تخلف را شناسایی کرد.

اوبه وضعیت کوچه شهید نوروزی ۱۶ نیز اشاره می‌کند: جایی که به گفته او، با کوچک‌ترین بارندگی، آب در ابتدای کوچه جمع می‌شود. گلستانی می‌افزاید: بارها از شهرداری درخواست کرده‌ایم اما هنوز اقدامی برای بازسازی انجام نشده است.

شهردار محله در شماره بعد پیگیر پاسخ مسئولان درباره حل این مشکلات خواهد بود.

با حضور مسئولان شهرداری منطقه ۵ مشهد صورت گرفت

رونمایی از ۲ پلاک افتخار شهدای محله سجادیه

عطائی هفته گذشته در مراسمی که با حضور حسین اکران شهردار منطقه ۵، مجتبی برزشی رئیس اداره فرهنگی و اجتماعی منطقه، سید محمد علوی ثانی مسئول امور بازرسی منطقه و تنی چند از اعضای شوراهای اجتماعی محله سجادیه برگزار شد، از پلاک افتخار منزل شهید قدیر عرفانیان عنارکی و شهید محمد موسی جاغوری رونمایی شد.

شهید محمد موسی جاغوری متولد فروردین سال ۱۳۴۶ بود و مرداد سال ۱۳۶۶ در جنگ تحمیلی هشت ساله به فیض شهادت رسید. شهید قدیر عرفانیان عنارکی نیز متولد خرداد سال ۱۳۴۱ بود و دی ماه سال ۱۳۶۱ در دفاع مقدس هشت ساله به مقام رفیع شهادت دست یافت.



اصلاح هندسی میدان شلوغ بازار

عملیات اصلاح هندسی میدان دوم گلشهر با هدف روان‌سازی تردد، بهسازی معبر و ارتقای ایمنی عبور و مرور در حال اجراست. در این طرح، جدول و کانیو میدان نیز پیش‌بینی شده است تا وضعیت ترافیکی این محدوده بهبود یابد.

این پروژه در محله امیرالمؤمنین (ع) و با اعتبار ۴۲۰ میلیون تومان در حال اجراست و عملیات اجرایی آن از اسفند ۱۴۰۴ آغاز شده و طول اجرای پروژه به ۱۵۰ متر می‌رسد. براساس برنامه ریزی انجام شده، این طرح تا نیمه شهریور امسال به پایان خواهد رسید و پس از تکمیل، در اختیار شهروندان قرار می‌گیرد. اجرای این پروژه بخشی از برنامه‌های بهسازی معابر و ارتقای زیرساخت‌های ترافیکی منطقه به شمار می‌آید.



شهر خبر



گل‌میخ‌های ترافیکی برای تردد ایمن

در راستای افزایش ایمنی تردد و کاهش احتمال تصادفات، ششصد عدد گل‌میخ ترافیکی در خیابان مهرآباد نصب شد. این اقدام با هدف جداسازی مسیر حرکت خودروها، پیشگیری از برخورد های رخ به رخ و مدیریت بهتر ترافیک در این محور انجام شده است. برای اجرای این پروژه ۳۰۰ میلیون تومان اعتبار اختصاص یافته است و نصب گل‌میخ در دیگر معابر اولویت دار محله مهرآباد نیز ادامه خواهد داشت.

مشخص کردن مسیر حرکت خودروها، افزایش دید رانندگان در شب و ارتقای ایمنی نقاط حساس معابر از مهم‌ترین اهداف اجرای این طرح است که می‌تواند نقش مؤثری در کاهش حوادث رانندگی و روان‌تر شدن عبور و مرور داشته باشد.

شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۱۵۹۱۳۱۳۲۵ در پیام رسان ایتا بفرستید.



تایستان دختران در کلاس های قرآنی مسجد

با شروع تعطیلات تابستان، مسجد الزهرا^(ع) در خیابان شهید بسکابادی باردیگر میزبان کلاس های آموزشی و قرآنی ویژه دختران شده است. نخستین جلسه این دوره، هفته گذشته برگزار شد و ۱۰ نفر از دختران هفت تا هجده سال در آن شرکت کردند. این کلاس ها حدود پنج سال است که هر تابستان برگزار می شود و جای خود را میان برنامه های فرهنگی محله باز کرده است. در این کلاس ها، دختران علاوه بر آموزش تجوید و روان خوانی قرآن، درباره موضوعات دینی و مسائل اعتقادی متناسب با سن خود گفت و گو می کنند.



کنار هم، هم عهد تا ظهور

سحر نیکو عقیده | هفته گذشته، هم زمان با شب شهادت امام حسن مجتبی^(ع) (به روایتی ۷ صفر)، جمعی از اهالی محله آقامصطفی خمینی بعد از نماز مغرب و عشا با حضور در میدان پدافند هوایی، در اجتماع معنوی «هم عهدی تا ظهور، گرد هم آمدند». این مراسم با هدف زنده نگه داشتن فرهنگ انتظار و تجدید عهد با امام زمان^(عج) و با حضور دو بیست نفر از اهالی متشکل از خانواده ها، نوجوانان و جوانان محله برگزار شد. شرکت کنندگان با قرائت دعا، مرثیه سرایی و یاد اهل بیت^(ع)، ضمن گرامی داشت شب شهادت کریم اهل بیت^(ع)، بر اهمیت آمادگی برای ظهور و نقش مردم در ترویج فرهنگ مهدویت تأکید کردند. اجتماع «هم عهدی تا ظهور»، یکی از برنامه های فرهنگی و مذهبی محله آقامصطفی خمینی است که هر سال در این تاریخ برگزار می شود.



قرار هفتگی بچه های مسجد الرضا^(ع)

جمعی از کودکان و نوجوانان شهرک شهید باهنر این روزها با یک پیشنهاد خود جوش، قرار تازه ای برای چهارشنبه هایشان گذاشته اند؛ قرار یاد گرفتن، درست خواندن و حفظ کردن صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی، صلواتی که در روایات بر خواندن آن در دوران غیبت امام زمان^(عج) تأکید شده است. این ایده را خود بچه های مسجد مطرح کردند و از برنامه ریزی تا اجرای جلسات را هم خودشان بر عهده دارند. نخستین جلسه این برنامه، چهارشنبه هفته گذشته با حضور سیزده نفر از کودکان و نوجوانان برگزار شد و قرار است این دوره هم آموزشی هر چهارشنبه ادامه پیدا کند. برای تشویق شرکت کنندگان هم هیئت امنای مسجد الرضا^(ع) جوایزی در نظر گرفته اند. بر این اساس، هر یک از بچه ها که بتواند صلوات را بدون اشتباه قرائت کند، جایزه ای دریافت خواهد کرد و افرادی هم که آن را به طور کامل حفظ کنند، جایزه ویژه ای خواهند گرفت.



نماز استغاثه در اجتماع مردمی چهنو

جمعه شب گذشته، اجتماع مردمی محله چهنو با صفوف نماز استغاثه مزین شد. در این برنامه حدود ۲۵ نفر از اهالی شرکت کردند و پس از قرائت دعای آل یاسین و اقامه نماز، به سردادن شعارهای حماسی پرداختند. همچنین در برنامه ای متفاوت، گروه نمایشی «دختران محله چهنو» نمایشی را با موضوع روایت اسرای کربلا، صحنه هایی از رنج و استقامت اهل بیت^(ع) به تصویر کشیدند. این مراسم نماد همدلی و همراهی اهالی محله بود و برنامه اجتماع تا ساعت ۱۲ ادامه داشت.

پیاده رو نونوار برای بولوار شهید رستمی

عملیات مرمت و بهسازی پیاده رو ورودی بولوار شهید رستمی با هدف پاسخ گویی به مطالبات شهروندان و ارتقای کیفیت معابر به پایان رسید. این پروژه توسط اداره عمران و حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۶ در زمانی کوتاه اجرا شد. بهسازی این پیاده رو، علاوه بر افزایش ایمنی تردد عابران، دسترسی مناسب تر شهروندان به این محدوده را فراهم کرده و کیفیت خدمات شهری را نیز ارتقا داده است. رسیدگی به وضعیت پیاده روها و رفع نواقص موجود، از جمله اقداماتی است که در بهبود سیمای شهری و ایجاد محیطی ایمن تر برای شهروندان نقش مهمی ایفا می کند.



شهر خبر



رفت و روب همیشگی کال امیرآباد

عملیات نظافت و پاک سازی کال امیرآباد به صورت مستمر و براساس برنامه ریزی منظم توسط نیروهای خدمات شهری منطقه ۶ در حال اجراست. این اقدام با هدف حفظ بهداشت عمومی، جلوگیری از انباشت پسماند، کاهش آلودگی های محیطی و ارتقای کیفیت فضای شهری دنبال می شود. رسیدگی مداوم به کال ها و مسیل های سطح منطقه، علاوه بر حفظ زیبایی بصری شهر، از انسداد مسیر آب های سطحی جلوگیری کرده و به حفاظت از محیط زیست و افزایش سلامت شهروندان کمک می کند. استمرار این عملیات، بخشی از برنامه های مدیریت شهری برای ارتقای خدمات شهری و ایجاد محیطی پاکیزه تر و ایمن تر برای ساکنان منطقه به شمار می رود.

آموزش آمادگی در برابر حوادث و بحران ها
با استقبال خوب شهروندان محله شهید معقول روبه روشد

پاتوق امداد در بوستان اردیبهشت

عطائی | هفته گذشته، پاتوق آموزشی دوام ثامن منطقه ۶ با هدف ارتقای آمادگی شهروندان در برابر حوادث و بحران ها، در بوستان اردیبهشت برپا شد. در این برنامه، اعضای گروه دوام ثامن، آموزش های کاربردی امداد و کمک های اولیه را به صورت عملی به شهروندان ارائه کردند. آموزش اصول پانسمان، نحوه بستن تورنیکه در خون ریزی های شدید، کار با دستگاه فشارسنج و برپایی چادر امدادی از جمله بخش های این پاتوق بود. این برنامه که با استقبال شهروندان همراه شد، با همکاری واحد بحران و پدافند شهرداری منطقه ۶ و کارگروه دوام ثامن مدیریت بحران شهرداری مشهد برگزار شد.



الهام سلیمی با دایر کردن آموزشگاه نقاشی در محله حسین آباد
بانی شکوفایی استعداد نوجوانان شده است

هنر رأفت یک نقاش



مریم دهقان تصویری از داستان مهربان
امام رضا (ع) و آهویی که در آغوش ایشان است،
پس از حضور در نمایشگاه «آشیانه ولایت» به موزه
آستان قدس رضوی راه پیدا کرد؛ اثری که خالقش آن را
نذر امام مهربانی ها کرد. این تابلو، اثر الهام سلیمی چنار،
بانوی هنرمند محله حسین آباد است که از کودکی علاقه اش
را با حمایت پدر و مادرش پرورش داده و حالا بیش از ۱۰ سال
است به صورت حرفه ای نقاشی کار می کند.
این هنرمند سال هاست در آموزشگاه «بانوی مرداد» تلاش
می کند هنر را به خانه های هم محله ای هایش نزدیک
کند و تاکنون زمینه آموزش بیش از سیصد دختر و
بانوی علاقه مند را در همین محله فراهم
آورده است.



دختر هنرمند بابایی

انتهای بولوار شهید علیمردانی، ساختمانی قرار دارد که فضای آن با بوی رنگ و
نقش های نشست بر بوم و کاغذ آمیخته است. اینجا استعداد هنری دختران و زنان
محله حسین آباد شکوفایی می شود و بسیاری از آنان امروز به هنرمندانی حرفه ای تبدیل
شده اند که آثار دیدنی خلق می کنند. در این مسیر، سال ها تلاش صبورانه الهام سلیمی
چنار قرار دارد؛ بانویی که از کودکی با حمایت پدر و مادرش به نقاشی علاقه مند شد و
اکنون بیش از ۱۰ سال است به صورت حرفه ای در این حوزه فعالیت می کند.

راه اندازی آموزشگاه هنری در محله نیز نشان دهنده تلاش او برای فراهم کردن امکان
آموزش آسان تر دختران و بانوان علاقه مند است تا بدون طی مسیرهای طولانی، هنر
بیاموزند و مدرک فنی و حرفه ای دریافت کنند.

الهام هم مثل هر کودک دیگری با نقاشی، دنیایی برای خودش ساخته بود اما
برخلاف بسیاری از هم سن و سالانش، پدرش بیش از همه به استعداد او توجه داشت
و از هفت هشت سالگی او، مقدمات رشدش را فراهم کرد.

الهام سلیمی که امروز ۴۴ سال دارد، درباره حمایت های پدرش می گوید: من با اینکه
فرزند اول خانواده بودم، خیلی مظلوم بودم. به همین دلیل پدرم خیلی حواسش به من
بود. همیشه مرا تشویق به نقاشی می کرد. در آن دوران که پدر و مادرها به بچه هایشان
می گفتند فقط درس بخوانند، پدرم می گفت کنار درس، برای نقاشی هم وقت بگذارم.
او مهم ترین عامل ادامه این مسیر حمایت های پدرش می داند و می گوید: او هر
نقاشی ای را که می کشیدم، قاب می کرد و به دیوار می زد. آن زمان که همه بسته
مداد رنگی شش تایی داشتند، بابا برایم بسته بیست و چهار تایی می خرید. کاغذ
آچاره ای که خیلی هانداشتند برایم می خرید تا روی آن نقاشی کنم.

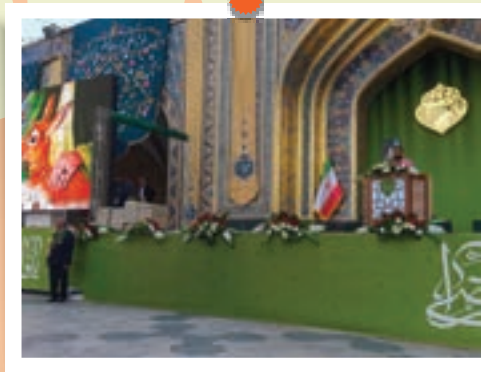
الهام خیلی زود در میان فامیل به عنوان دختری هنرمند شناخته شد و دوست
داشت هنر خود را با دیگران قسمت کند؛ «کارت پستال هایی را که عید نوروز مردم
به یکدیگر هدیه می دادند، می خریدم. با ماد رنگی روی آن ها نقاشی می کشیدم و
بعد به دخترها و پسرهای فامیل هدیه می دادم؛ البته به آن هایی که حس می کردم
به هنر علاقه دارند».

دوری از هنر به خاطر خانواده

اوتا پانزده سالگی از حمایت های بی دریغ پدرش بهره برد؛ حتی آموزش های حرفه ای را نزد استاد حسین صباغیان آغاز کرد و رنگ روغن،
مداد رنگی و سیاه قلم را آموخت. این مسیر ادامه داشت تا اینکه به سن دانشگاه رسید و قلب پدر دیگر اجازه تپیدن نیافت. از دست دادن پدر،
الهام را برای مدتی از دنیای نقاشی دور کرد و او تصمیم گرفت درسش را ادامه دهد و وارد دانشگاه شود.

هم زمان با انتخاب رشته ادبیات، چند ماه بعد همسرش به خواستگاری او آمد و زندگی مشترکشان آغاز شد. می گوید: چون همسر من نظامی بود،
مدام از این شهر به آن شهر می رفتم. از طرفی بچه داری و اداره زندگی هم باعث شد نقاشی را آن طور که دلم می خواست دنبال نکنم تا اینکه
بعد از حدود ده سال و مأموریت همسرش در هفت هشت شهر کشور، سال ۹۱ به مشهد برگشتم و همین جا ماندگار شدم.
بازگشت به محله قدیمی، فرصتی دوباره برای دنبال کردن علاقه اش فراهم کرد. البته در سال های قبل هم نقاشی را کاملاً کنار گذاشته بود.
خودش می گوید: وسایلم همیشه همراهم بود و برای خودم و اطرافیانم گاهی نقاشی می کشیدم، اما وقتی به محله قدیمی خودمان برگشتم،
دوره های مختلف رازیر نظر استاد رضا محمدی گذراندم.





هنرجو و همکار خاص

الهام در آموزشگاهش تنها نیست. در میان هنرجویانش، یک نفر جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زینب پیوندی، دختر ده ساله‌اش. زینب که از کودکی کنار مادرش بزرگ شده، به سختی به یاد می‌آورد از چه زمانی نقاشی را آغاز کرده است. او می‌گوید: از اینکه دختر یک هنرمند هستم و دیگران به مادرم توجه دارند، حس خیلی خوبی دارم. از طرفی نقاشی را هم خوب یاد گرفته‌ام و در نمایشگاه‌هایی که مدرسه برگزار می‌کند، شرکت می‌کنم.

زینب فقط هنرجوی مادرش نیست؛ این روزها به کودکان هفت تا ده ساله نیز رنگ‌آمیزی یا مادرانگی آموزش می‌دهد؛ «چون خودم بچه هستم، بازبان خودشان برایشان توضیح می‌دهم. از مادرم حقوق هم می‌گیرم.» او درباره رابطه‌اش با مادرش می‌گوید: ماما هر روز بعد از تمام شدن کارهای خانه، از حدود ساعت یک نیمه شب تازه نقاشی را شروع می‌کند. من هم کنار او و سایلم را می‌آورم و پایه‌پایش نقاشی می‌کنم. وقتی کنار ماما نقاشی می‌کنم، حالم خوب است. زینب از همین حالا برای آینده‌اش دوازده‌ساله دارد؛ می‌خواهد هم نقاش بزرگ شود و هم دندان پزشکی.

یک کوچه تا آموزشگاه

رؤیاسعدی از هنرجویان جدیدالهام سلیمی است که از آبان سال گذشته آموزش نقاشی را نزد او آغاز کرده است. به گفته سلیمی، علاقه و پشتکار رؤیا باعث شد پیشرفت چشمگیری داشته باشد.

او پیش از این در یکی از آموزشگاه‌های بولوار وکیل آباد ثبت نام کرده بود. اما فاصله زیاد آموزشگاه و رفت و آمد با فرزند خردسالش ادامه مسیر را برایش دشوار کرده بود. او می‌گوید: ۱۰ جلسه در آن آموزشگاه شرکت کردم اما مسیرش خیلی دور بود و مجبور بودم پسرکو چکم را هم با خودم ببرم.

سعدی با آموزشگاه خانم سلیمی کاملاً اتفاقی آشنا شد. تعریف می‌کند: یک روز برای خرید به مغازه لوازم التحریر محله رفته بودم که سر صحبت باز شد و صاحب مغازه گفت چرا به آموزشگاه خانم سلیمی نمی‌روم. وقتی فهمیدم فقط یک کوچه با خانه‌ام فاصله دارد، همان موقع ثبت نام کردم. حالا دوره‌های سیاه‌قلم، آبرنگ و مداد رنگی را گذرانده‌ام و پیشرفت خیلی خوبی داشته‌ام.

او معتقد است علاوه بر یادگیری نقاشی، آرامش بیشتری هم پیدا کرده است و دیگر دغدغه رفت و آمد های طولانی را ندارد.

رفتار دوستانه مربی با هنرجویان

ستاره سیرجانیان از قدیمی‌ترین هنرجویان الهام سلیمی است. او از پانزده سالگی، زمانی که کلاس هادر منزل برگزار می‌شد، همراه او بوده و حالا نوزده سال دارد. او درباره آشنایی‌اش با خانم مربی می‌گوید: خانم سلیمی از دوستان قدیمی مادرم است. قبل از آشنایی با ایشان در آموزشگاهی آموزش می‌دیدم که مربی‌اش آقا بود و چندان احساس راحتی نمی‌کردم. مسیرش هم از خانه‌مان دور بود. وقتی با خانم سلیمی آشنا شدم، ترجیح دادم آموزش را کنار ایشان ادامه بدهم.

او که این روزها مشغول اجرای یک سفارش پرتیر باتکنیک سیاه‌قلم است، مهم‌ترین ویژگی مربی‌اش را مهربانی می‌داند و می‌گوید: خانم سلیمی همیشه با هنرجویان دوستانه رفتار می‌کند و برای آموزش چیزی کم نمی‌گذارد. خودش را بالاتر از دیگران نمی‌بیند و من کنار ایشان احساس راحتی می‌کنم.

ستاره از چهار سال آموزش در کنار این بانوی هنرمند رضایت دارد و اضافه می‌کند: در انتخاب طرح‌ها و ایده‌ها آزادی عمل داریم. این طور نیست که مربی نظر خودش را تحمیل کند؛ البته همیشه راهنمایی‌مان می‌کند و ما هم از تجربه‌هایش استفاده می‌کنیم.

آموزشگاهی برای هم محله‌ای‌ها

سال ۱۳۹۴، وقتی الهام برای خرید نان همراه همسرش به یکی از خیابان‌های محله رفته بود، با آموزشگاه استاد محمدی آشنا شد؛ اتفاقی که به گفته خودش، مسیر تازه‌ای را در زندگی هنری‌اش رقم زد؛ «وقتی آقای محمدی نخستین بار کارهایم را دید، تشویق کرد و گفت جزو هنرجوهای خوبش هستم. بعد هم در نمایشگاه‌های گروهی همراه ایشان شرکت کردم.»

الهام از همان سال تا دوازده سال پیش، بیشتر وقتش را صرف یادگیری کرد. او دوره‌های مختلف نقاشی از جمله نقاشی کودک، سیاه‌قلم، پاستل، آبرنگ و... را در آموزشگاه‌های مختلف شهر گذراند؛ آن هم در شرایطی که دخترش هنوز خردسال بود. اما این مسیر برایش کافی نبود. دلش می‌خواست تدریس را هم تجربه کند. به همین دلیل مدرک مربیگری سازمان فنی و حرفه‌ای را گرفت؛ «بعد از اینکه احساس کردم می‌توانم آموزش بدهم، ابتدا با چند هنرجو در منزل شروع کردم. تعدادشان به دوازده نفر رسید و دیدم دیگر آموزش در خانه سخت است. به همین دلیل مدرک مربیگری گرفتم تا بتوانم به صورت رسمی آموزش بدهم. حالا دو سال است که آموزشگاه هنری را در محله راه‌اندازی کرده‌ام.» او می‌گوید: دوست داشتم کودکان، دختران و زنانی که به هنر علاقه دارند، در همین محله آموزش ببینند و مجبور نباشند برای شرکت در کلاس تا وکیل آباد یا قاسم‌آباد بروند؛ زیرا رفت و آمد برای خیلی از هنرجوها سخت و زمان‌بر است.

تابلویی که ضامن شد

الهام سلیمی تاکنون در ۱۰ نمایشگاه گروهی نقاشی در مشهد، ایران و همچنین نمایشگاه مجازی گروهی اتریش در سال ۲۰۲۴ حضور داشته و آثار متعددی خلق کرده است. افزون بر این، حدود سیصد هنرجو را آموزش داده است که برخی از آنان امروز موفق به دریافت مدارک رسمی سازمان فنی و حرفه‌ای شده‌اند.

یکی از ماندگارترین خاطرات هنری او به نمایشگاه بین‌المللی نقاشی و خوش‌نویسی «آشیانه ولایت» در حرم مطهر امام رضا^(ع) بازمی‌گردد. او تعریف می‌کند: آن روزها مشکلی داشتم که ذهنم را درگیر کرده بود. هم زمان اطلاعیه نمایشگاه را دیدم. تصویری از دستان امام رضا^(ع) آهویی که در آغوش داشتند و کاشی‌کاری‌های حرم را نقاشی کردم. تابلو بزرگی بود و روی زمین قرار داشت. یک شب، بعد از تمام شدن کار، در حالت خواب و بیداری دیدم دودست گرم و مهربان، گویی دستان امام رضا^(ع)، تابلو را در آغوش گرفته‌اند.

فردای آن روز، خوابش را برای مادرش تعریف کرد و همان جاتصمیم گرفت اثرش را به حرم مطهر امام رضا^(ع) اهدا کند. آن تابلو پس از نمایش در نمایشگاه «آشیانه ولایت»، به موزه آستان قدس رضوی منتقل شد و به گفته خودش، آن دغدغه‌ای نیز که روزها ذهنش را مشغول کرده بود، به خیر و خوشی برطرف شد.

آرامش با دنیای رنگ‌ها

«هر بار وارد آموزشگاه می‌شوم، حالم بهتر می‌شود. خستگی‌هایم از تنم بیرون می‌رود، انرژی می‌گیرم و حاضر نیستم این حال را با چیز دیگری عوض کنم.» این‌ها جملات بانوی هنرمند مردادی است که سال‌ها با دنیای رنگ‌ها زندگی کرده و نقاشی را در یک جمله این‌گونه توصیف می‌کند: «تماشای آرامش است.» الهام این آرامش را در زندگی هنرجویانش هم دیده است. او می‌گوید: مادری پیشم آمد که فرزندش تیک عصبی داشت و وقتی عصبانی می‌شد، پلک چشمش می‌پرید. گفتم دخترت را به کلاس بیار و به بقیه‌اش کاری نداشته باش. بعد از یکی دو ترم حالش خیلی بهتر شد.

او نمونه‌های مشابه دیگری هم به یاد دارد؛ کودکانی که به دلیل کمبود اعتماد به نفس یا شرایط جسمی، از حضور در جمع فاصله گرفته بودند اما هنر به آن‌ها فرصت دوباره‌ای برای ارتباط با دیگران داده است؛ «هنرجوی کوچکی داشتم که مشکل پوستی روی صورتش داشت. از مادرش جدا نمی‌شد و وابستگی شدیدی به او داشت. می‌ترسید بچه‌های دیگر مسخره‌اش کنند. اما وقتی فضای کلاس را مدیریت کردم، کم‌کم با بچه‌ها دوست شد. حالا که به کلاس دوم رسیده، انگیزه پیدا کرده است که در نمایشگاه‌ها شرکت کند. اما امروز اعتماد به نفسش خیلی بیشتر شده است.»



روایت مسجد قدیمی محله کنه بیست که با توسعه بنا در گذر زمان، به پاتوق اهالی تبدیل شد

پروبال گرفتن همدلی در محله



سحر نیکو عقیده نمای سفید و در سبزرنگ مسجد، از همان ابتدای کوچه حر ۲۰ نگاه هر رهگذری را به خود جلب می‌کند.

با ورود به مسجد، اولین چیزی که به چشم می‌آید، شلوغی دل‌نشین و نشانه‌های متعدد فعالیت اهالی در گوشه و کنار آن است. دیوارها هر کدام روایتی برای گفتن دارند؛ از قاب عکس شهدای مسجد گرفته تا تصاویر بانیان و خبرانی که در ساخت و توسعه آن نقش داشته‌اند. در گوشه‌ای هم پرچم سیاه محرم هنوز برپا مانده و حال و هوای هفته‌های گذشته را نشان می‌دهد. همین جزئیات، از مسجدی خبر می‌دهد که چراغ فعالیت در آن همیشه روشن بوده و تنها محل اقامه نماز نبوده است.

مسجد امام حسین (ع) محله کنه بیست که سال ۱۳۵۸ بازیربنای صد متر مربع ساخته شد، با همت اهالی و خیران محله، سال به سال توسعه پیدا کرد و امروز به یکی از مراکز مهم فرهنگی، آموزشی و مذهبی محله تبدیل شده است؛ مسجدی که در هایش برای آموزش، همدلی و فعالیت‌های اجتماعی همیشه به روی مردم باز است.



همه اهالی پای کار آمدند

تالیوسردر مسجد، سال تأسیس آن را ۱۳۵۸ نشان می‌دهد؛ پیش از آن سال، این محدوده مسجد نداشت و اهالی برای اقامه نماز و برگزاری مراسم مذهبی ناچار بودند راهی محله‌های اطراف شوند. همین نیاز، انگیزه‌ای شد تا ساخت مسجد امام حسین (ع) با همت مردم آغاز شود.

منصوره بیگی، از بانوان قدیمی محله و همسایه سال‌های دور مسجد، از روزهای شکل‌گیری این بنامی گوید. او به قاب عکسی روی دیوار مسجد اشاره می‌کند؛ تصویری از حاج عباس گنجی، بانی اصلی مسجد. به گفته او، زمین مسجد متعلق به عموی همسرش بوده و حاج عباس گنجی، پسر عموی همسرش، حدود صد متر از آن را برای ساخت مسجد وقف می‌کند و کلنگ احداث آن را به زمین می‌زند.

منصوره خانم روزهای ساخت مسجد را هنوز با جزئیات به خاطر دارد. از تلاش‌های همسرش، علی گنجی و حاج عباس گنجی می‌گوید که برای فراهم کردن مصالح و پیش بردن کار، مدام از این سوبه آن سومی رفتند. اما تا آنکه می‌کند که ساخت این مسجد، حاصل تلاش یک‌یاد و نفر نبود و همه اهالی پای کار آمدند. یکی آجر و خشت و آهن تهیه می‌کرد، دیگری بنایی می‌کرد و هر کس به اندازه توان خود سهمی در ساخت مسجد داشت و آرزوی داشتن مسجد، مردم محله را کنار هم جمع کرده بود.

او از همراهی بانوان محله هم با شوق یاد می‌کند؛ همراهی آنان کمتر از مردان نبود؛ «بسیاری از وسایل آشپزخانه مسجد را من و چند همسایه دیگر از بازار پنجره تهیه کردیم؛ ظرف و ظروفی که هنوز هم در آشپزخانه مسجد استفاده می‌کنیم.»

خاطره دیگری که بالبخند تعریف می‌کند، به نخستین روزهای ساخت مسجد و هم زمانی آن با ماه محرم برمی‌گردد؛ «آن روزها، خانه به خانه در محله می‌چرخیدم و از زنان همسایه و روسری‌ها و پارچه‌های مشکی می‌گرفتم تا دیوارها و در مسجد کوچک صد متری مان را سیاه پوش کنم.»

گسترش فعالیت‌های مسجد، آغاز مسیر جدید

در میان نام‌هایی که از روزهای ساخت مسجد بر زبان اهالی جاری می‌شود، نام محمد نجاتی هم بارها تکرار می‌شود؛ ریش سفید امروز محله که متولد سال ۱۳۱۷ است. او که سال‌ها راننده تاکسی بود، بدون هیچ چشمداشتی هر جالزم بود اهالی را جابه‌جا می‌کرد. در روزهای ساخت مسجد هم تاکسی‌اش مدام در رفت و آمد بود؛ یک روز برای آوردن مصالح، روز دیگر برای تهیه لوازم مورد نیاز. همین همراهی و اعتماد مردم باعث شد بعدها مسئولیت هیئت امنای مسجد را بر عهده بگیرد و سال‌ها در اداره امور مسجد نقش‌آفرین باشد.



مسجد امام حسین (ع) اما تغییراتی هم داشته است. حدود پانزده سال پیش، با حضور حجت الاسلام والمسلمین جعفر علی آقا جان نژاد به عنوان امام جماعت مسجد، فصل تازه‌ای از فعالیت‌های این مجموعه آغاز شد. او با پیگیری‌های مستمر و استفاده از ظرفیت شهرداری و دیگر نهادها، زمینه توسعه مسجد را فراهم کرد. این توسعه که در سال ۱۳۹۴ به نتیجه رسید، مسجد را از بنایی صد متری به مجموعه‌ای دو طبقه بازیربنای حدود چهار صد متر مربع تبدیل کرد.



با این حال، اهالی معتقدند مهم‌ترین تغییر، بزرگ‌تر شدن ساختمان مسجد نبود. با حضور امام جماعت جدید، فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی و اجتماعی مسجد هم گسترش پیدا کرد و این مکان بیش از گذشته به پاتوقی برای اهالی محله تبدیل شد. امروز طبقه دوم مسجد که بیشتر در اختیار بانوان است، میزبان پایگاه بسیج خواهران بنت‌الهدی است؛ پایگاهی که پنج سال از آغاز فعالیت آن می‌گذرد. در فضای حدود نود متر مربع، برنامه‌های متنوعی برای گروه‌های مختلف برگزار می‌شود؛ از کارگاه ازدواج آسان و کلاس‌های ژیمناستیک و یوگا دختران گرفته تا کلاس‌های جبرانی درسی برای دانش‌آموزان. گاهی هم با همکاری شهرداری، روان‌شناسان برای برگزاری جلسات مشاوره و آموزش به مسجد دعوت می‌شوند. علاوه بر این، آقا جان نژاد که چهارده سال سابقه عضویت در شورای حل اختلاف مشهد را دارد، بخشی از وقت خود را به ارائه مشاوره‌های حقوقی به اهالی اختصاص می‌دهد.

رمز پویایی مسجد

فعالیت‌های مسجد تنها به برنامه‌های فرهنگی و آموزشی طبقه دوم محدود نمی‌شود. در طبقه همکف، بخشی به کتابخانه شهید آوینی اختصاص یافته؛ کتابخانه‌ای که حدود ۱۰ سال پیش راه‌اندازی شده و امروز به یکی از بخش‌های فعال مسجد تبدیل شده است. حجت الاسلام آقا جان نژاد می‌گوید بسیاری از کتاب‌های این کتابخانه را با کمک مردم و از کتابخانه‌های شخصی اهالی جمع‌آوری کرده‌اند. اکنون حدود هفتصد جلد کتاب در قفسه‌های این کتابخانه قرار دارد و نزدیک به هفتاد نفر از جوانان و نوجوانان هم عضو آن هستند.

علاوه بر این، هادر روزهای جنگ اخیر، زمانی که برگزاری کلاس‌های درس در برخی مراکز با مشکل مواجه شده بود، مسجد امام حسین (ع) درهای خود را به روی معلمان و دانش‌آموزان گشود و بخشی از کلاس‌های آموزشی در همین فضا برگزار شد؛ اقدامی که بار دیگر نشان داد این مسجد، در بزنگاه‌های مختلف، خود را در کنار مردم می‌بیند. از آقا جان نژاد درباره دلیل این میزان فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مسجد می‌پرسیم. او معتقد است مسجد نباید تنها محلی برای اقامه نماز باشد. می‌گوید: مسجد باید پایگاه و پاتوق اهالی محله باشد؛ جایی که مردم احساس تعلق کنند و برای حل مسائل، آموزش، همدلی و فعالیت‌های اجتماعی به آن مراجعه کنند. این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که هم امام جماعت و هم اهالی، یکدیگر را به حضور و فعالیت تشویق کنند. خدا را شکر در این مسجد مردم همیشه پای کار بوده‌اند و همین همراهی، رمز پویایی آن است.



دستان هنرمند دختران محله امیرالمؤمنین^(ع) عروسک‌های آهوانه را با نیتی آسمانی برای دختران عراقی آماده می‌کند

حکایت دل‌های گره خورده بین مشهد و کربلا

ساده می‌بیند؛ او آن‌ها را نماد رأفت امام رضا^(ع) و نشانه همبستگی میان شهروندان کشورهای اسلامی می‌داند.

● ○ روایتی از دل‌های گره خورده

دخترانی که در این طرح شرکت کرده‌اند، هر کدام دنیایی از انگیزه دارند. معصومه دهقان که از جوانان فعال محله امیرالمؤمنین^(ع) است، می‌گوید: اطلاع‌رسانی مشارکت در این برنامه را در کانال بسیج شهید ابراهیم هادی مسجد امام جعفر صادق^(ع) دیدم و بدون معطلی، سر ساعت خودم را به اینجا رساندم. انگیزه من مشخص است؛ چون می‌دانم این هدایا مستقیم به دست زائران کربلا و میزبانان عراقی می‌رسد، با کمال میل و از روی علاقه آمدم.

مینا قربانی نوجوان دیگری است که با دقت تمام مشغول دوخت و دوز است. او چنان با وسواس کار می‌کند که می‌گوید می‌خواهد چند تایی هم با خودش به خانه ببرد تا در خلوت خانه و با آرامش بیشتر کاملشان کند.

آیدا سارانی و دختر عمویش، آیناز سارانی، از آن دسته شرکت‌کنندگان وفادار هستند که سومین سال پیاپی است در این طرح شرکت می‌کنند. در نهایت، زینب گوهری که دومین سال حضورش را تجربه می‌کند، داستانی تأثیرگذار از نیت درونی‌اش تعریف می‌کند: من و خواهرم سال گذشته هر کدام پنج عروسک در خانه دوختیم و تحویل دادیم. امسال، من این عروسک‌ها را با نیت بچه‌های شهید میناب می‌دوزم.

تنها حدود دو هفته از آغاز رسمی طرح می‌گذرد و با همت امثال همین بچه‌ها تا به حال حدود ۸۰ هزار عروسک آهو در سطح شهر آماده کرده‌ایم که رقمی باورنکردنی است.

راضیه خیرخواه، مربی پایگاه بسیج مسجد، همچون مادری مهربان مراقب تک‌تک بچه‌هاست. هر کس کم و کسری داشته باشد، از نخ و سوزن گرفته تا پارچه و پنبه، کافی است به او بگوید تا بلافاصله وسایل در اختیارش قرار بگیرد.

مدیر فرهنگ سرای بهرمان نیز که از نزدیک برون‌کار نظارت دارد، توضیح می‌دهد: متولی اصلی طرح آهوانه در سطح شهر مشهد، فرهنگ سرای بهرمان است. ما با توجه به درخواست‌ها و استقبال مساجد محلات مختلف، مواد اولیه را برای آن‌ها تأمین می‌کنیم.

زهرا محمدی نیک این عروسک‌ها را فراتر از یک اسباب بازی

عطائی‌انمد‌های آبی و قرمز رنگ از قبل برش خورده و حالا در مسجد امام جعفر صادق^(ع)، کنار دست دختران نوجوان قرار گرفته است. با حرکت انگشتان ظریف آن‌ها، دولا به نمدی با دقت و تمرکز به هم دوخت می‌خورند تا در نهایت، با پنبه‌های سفید و نرم پر شوند و به شکل عروسک‌های کوچک آهو، جان بگیرند.

فضای مسجد، فضای متفاوتی است؛ سکوتی آمیخته به نجوای دوستانه و صدایی که مدام راهنمایی می‌کند. بانویی با صبر و حوصله مثال زدنی، کنار بچه‌ها می‌نشیند و برای چندمین بار توضیح می‌دهد که دوخت‌ها باید «دندان موشی» باشد؛ زیرا هم زیباتر است و هم استحکام عروسک را بیشتر می‌کند. او با تأکیدی که نشان از اهمیت موضوع دارد، می‌گوید: دخترها! حواستان باشد؛ این عروسک‌ها قرار است دست زائر امام حسین^(ع) و دختران عراقی فعال در موبک‌ها برسد. پس باید کارتان درجه یک و بی نقص باشد.

● ○ پیوندی از جنس رأفت

ربابه و وظیفه‌دان مسئول دبیرخانه طرح «آهوانه» در سازمان فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد است. او توضیح می‌دهد که اجرای طرح آهوانه در مشهد سابقه‌ای ده ساله دارد و نکته شایان توجه این است که هر سال نه تنها تمدید می‌شود، بلکه با استقبال بسیار گسترده‌تری نسبت به سال قبل مواجه می‌شود. او می‌گوید: همین الان



نوجوان ۱۶ ساله شهرک شهید رجایی
در ۲ رشته ورزشی کاراته و فوتسال مقام آور شده‌است

عوض کردن زمین بازی نه رؤیاها!

یک فوتسالیست باید روی زمین چمن هم
تمرین داشته باشد.

● ○ چرا فوتسال را کنار گذاشتی؟

فوتسال هنوز هم عشق اول من است. اما واقعیت این است که برای دخترها در مشهد آینه‌روشنی نداشت. اگر می‌خواستیم پیشرفت کنیم باید به تهران می‌رفتیم. اما هم هزینه‌هایش برای خانواده‌مان سنگین بود و هم دوست نداشتم از خانواده دور شوم. به همین دلیل در کلاس نه‌م تصمیم گرفتم مسیر تازه‌ای را در رشته دیگر و کاراته شروع کنم.

● ○ در کاراته چه دستاوردی داشتی؟

اولین مسابقه‌ام مهر ۱۴۰۴ در مسابقات قهرمانی سبک کیوکوشین ماتسوشیما بود. با اینکه استرس زیادی داشتم، مقام اول را به دست آوردم. یک ماه بعد هم در مسابقات قهرمانی بانوان سبک کیوکوشین شرکت کردم و دوباره مدال طلا گرفتم.

● ○ الان کجا تمرین می‌کنی؟

عضویتیم عقاب‌ها هستم و تمریناتمان در مسجدی واقع در پورسینا، برگزار می‌شود. امکانات زیاد نیست؛ تعداد کیسه‌های تمرین کم است، اما با همین شرایط هم تمرین می‌کنیم.

● ○ بزرگ‌ترین آرزویت چیست؟

دوست دارم هم در کاراته به موفقیت‌های بزرگ برسم و هم روزی مربی فوتسال و کاراته شوم. آرزویم این است که از دختران محله‌ام حمایت کنم و نگذارم آن‌ها با همان محدودیت‌ها و حرف‌هایی روبه‌رو شوند که من تجربه کردم. دلم می‌خواهد مسیر برای نسل بعدی ورزشکاران دختر هموارتر از امروز باشد.



● ○ بعد از آن مسیرت چطور ادامه پیدا کرد؟

حدود چهار سال در همان سالن تمرین کردم و بعد به تیم مهر عظام رفتم. آنجا تمرین‌ها حرفه‌ای‌تر شد و نگاه من هم به ورزش تغییر کرد. احساس می‌کردم اگر تلاش کنم، می‌توانم آینده خوبی در فوتسال داشته باشم.

● ○ در این مسیر با چه سختی‌هایی روبه‌رو بودی؟

بزرگ‌ترین سختی، نگاه جامعه بود. حتی بعضی از اقوام می‌گفتند فوتبال برای دختر نیست! از طرفی به خاطر همین نگاه‌ها، اجازه نداشتم در فضای باز تمرین کنیم. بیشتر تمرین‌های مادر سالن‌های سرپوشیده مثل سالن نصرت برگزار می‌شد، در حالی که



نیکو عقیده‌ار یحانه‌براتی، سال‌هاست که ورزش حرفه‌ای را با جدیت دنبال می‌کند. او از کودکی عاشق فوتسال بود و با وجود همه محدودیت‌ها و نگاه‌های منفی، توانست قهرمانی را تجربه کند. بعداً برای ساختن آینده‌ای تازه، مسیرش را به سمت کاراته تغییر داد؛ مسیری که خیلی زود با دو مدال طلای پیاپی همراه شد.

● ○ از چه زمانی به ورزش علاقه‌مند شدی؟

از کودکی عاشق فوتسال و فوتسال و همیشه مشغول بازی باتوپ فوتبال بودم. حتی یک بار باتوپ، شیشه‌کمد را شکستم! مادر همیشه دعوا می‌کرد اما در کنارش مشوقم هم بود. می‌فهمیدم از اینکه استعداد دارم خوشحال است و همین حمایت باعث شد علاقه‌ام را جدی‌تر دنبال کنم.

● ○ چه شد که به فوتسال روی آوردی؟

کلاس سوم ابتدایی بودم که یک مربی فوتسال برای استعدادیابی به مدرسه آمد. همان روز استعدادم را تشخیص داد و تمریناتم در سالن سرپوشیده ثامن در پنجاه پایین خیابان شروع شد. یک ماه بعد در مسابقات فوتسال دختران مقطع ابتدایی مشهد که به میزبانی آموزش و پرورش ناحیه ۵ برگزار شد، شرکت کردم و مقام اول را به دست آوردم. آن موفقیت انگیزه زیادی به من داد.



مهدی آباد، رضائیه، سجادیه، حسین آباد، مهرآباد، امیرالمؤمنین (ع)، نیزه، شهید آوینی، ثامن، کوی سلمان، جلالیه

محلات منطقه‌ها

چهنو، مصلی، کارمندان اول، کارمندان دوم، شهید آقامصطفی خمینی، شیرین، امیرآباد، شهید معقول، کشاورز، پورسینا، ارونند، انصار، شهید باهنر، شهید بسکابادی، شهید شیروودی، شهید رستمی، کوی ۲۲ بهمن، کنه‌یست، شهید رجایی



در میانه کوچه، ساختمان بزرگی خودنمایی می‌کند. اهالی می‌گویند این مجموعه در گذشته، یک مدرسه واحد با نام «دبستان رضویه» بوده که به مرور به چند مدرسه تفکیک شده است. یکی از این مدارس، دبستان «شهید سید محمد جهان آرا» است که از سال ۱۳۶۰ فعالیت خود را آغاز کرده است.



کمی بالاتر از دبستان شهید سید محمد جهان آرا، یکی دیگر از مدارس این مجموعه قرار دارد که ورودی آن به همین کوچه باز می‌شود. پیش دبستانی و دبستان غیردولتی پسرانه معلم از سال ۱۳۷۲ فعالیت خود را آغاز کرده است.

از خاکی دیروز تا شلوغی امروز

نیکو عقیده | کوچه شهید ابراهیمیان یک در محله شهید رستمی، یکی از شلوغ‌ترین معابر منطقه ۶ است؛ کوچه‌ای که بخش زیادی از رفت و آمد و جنب و جوشش را مدیون مغازه‌های پرشمار و متنوعی است که در آن فعالیت می‌کنند. این کوچه تا حدود بیست سال پیش با نام شهید نوروزی شناخته می‌شد، اما بعدها نام آن به شهید ابراهیمیان تغییر کرد. به گفته اهالی، اینجا تا اوایل دهه ۶۰ باغ انگور و مسیری خاکی بود و جوی آبی از میان کوچه خاکی می‌گذشت. با گسترش ساخت و ساز، کم‌کم خانه‌ها جای باغ‌ها را گرفتند و کوچه علاوه بر کاربری مسکونی، هویتی تجاری هم پیدا کرد.

کوچه شهید ابراهیمیان یک
محله شهید رستمی



در کنار همه ظرفیت‌های معبر، برخی مشکلات هم به چشم می‌خورد. یکی از مهم‌ترین آن‌ها، وضعیت نامناسب آسفالت معبر است. در بخش‌های مختلف کوچه، آثار حفاری‌ها و فرسودگی آسفالت دیده می‌شود که تاکنون به طور کامل ترمیم نشده‌اند.



علی اصغر زرین، هفتاد ساله و از قدیمی‌ترین ساکنان کوچه شهید ابراهیمیان یک، از خانه‌های آستانه به عنوان بخشی از هویت این محله یاد می‌کند. به گفته او، این خانه هادر سال ۱۳۶۰ ساخته شدند و بسیاری از ساکنان آن، اگرچه در ابتدا مستأجر بودند، همچنان در همان خانه‌ها زندگی می‌کنند و امروز از قدیمی‌ترین اهالی کوچه به شمار می‌روند. زرین می‌گوید خودش هم سال‌ها در یکی از خانه‌های آستانه زندگی کرده است.

تجاری بودن کوچه شهید ابراهیمیان یک، در کنار رونق اقتصادی، چالش‌هایی هم برای ساکنان و کسبه ایجاد کرده است. به گفته آن‌ها، در برخی ساعات روز، به ویژه زمان اوج فعالیت مغازه‌ها، پیدا کردن جای پارک به یکی از مشکلات اصلی این معبر تبدیل می‌شود.